

اتقان، نوآوری و کارآمدی در امر پژوهش

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید ابراهیم رئیسی

اشاره

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید ابراهیم رئیسی، در سال ۹۳۳۱ در مشهد مقدس، در خانواده ای روحانی متولد شد. در سنین کودکی، پدر خود را که یکی از علمای سرشناس مشهد بود، از دست داد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و نیز فراگیری دروس مقدماتی علوم دینی در حوزه علمیه مشهد، جهت ادامه تحصیل در سن پانزده سالگی، رهسپار حوزه علمیه قم شد. وی سطوح عالی حوزه را نزد اساتیدی؛ چون حضرات آیات: فاضل لنکرانی، نوری همدانی، مشکینی، خزعلی، فاضل هرنندی، ستوده و مروی خراسانی سپری کرد و دروس خارج فقه و اصول را هم در محضر مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) و آیات عظام: مرعشی نجفی، آقامجتبی تهرانی و هاشمی شاهرودی، کسب فیض نمود. او هم چنین به تحصیل در دانشگاه نیز پرداخته است و دارای مدرک دکترای فقه و مبانی حقوق با گرایش حقوق خصوصی می باشد. عمده اهتمام حجت الاسلام رئیسی در سال های اخیر، در کنار تصدی گری مناصب مهم اجرایی و قضایی؛ از قبیل دادستانی کل کشور، معاونت اول دستگاه قضا، دادستانی ویژه روحانیت و عضویت در هیئت رئیسه مجلس خبرگان، تدریس در محافل حوزوی و دانشگاهی و همین طور تحقیق در موضوعات مختلف علمی، به خصوص مباحث حقوقی است که ماحصل آن، انتشار چندین کتاب و مقاله پژوهشی و نیز سخنرانی های متعدد در کنفرانس های داخلی و خارجی است.

با بررسی آن چه از آثار بزرگان، علما و فرهیختگان وجود دارد، می توان دریافت که همزاد با تحصیل و تدریس در طول بیش از هزار سال، تحقیق و پژوهش، همواره در کار علما و دانشمندان و بزرگان ما بوده است. بعد از جریان فقه ماثور و آغاز فقه اجتهادی و فقهی از قرن چهارم و دوره ابن بابویه قمی و تا زمان مرحوم شیخ طوسی و ادوار بعد، زمان محقق اردبیلی تا زمان وحید بهبهانی، تا آغاز مکتب صاحب جواهر و مکتب شیخ انصاری و تا زمان حاضر که عصر فقها بزرگ و مکتب امام (ره) است، همواره پژوهش و نوآوری در سیره و سلوک علمی بزرگان ما بوده است. شناخت یک محقق بزرگ و طلبه فاضل به مدرک تحصیلی او نبوده است؛ بلکه به رساله های تحقیقی و عمق نظرش شناخته می شد. در واقع مدرک و سند تحصیل و گواه بر عمق علمی یک طلبه، یک فاضل در حوزه ما، پژوهش و تحقیق او بود. شما وقتی در زندگی نامه بزرگان هم مطالعه می کنید، می گوئید چه آثاری داشتند و چه تحقیقاتی را می توان از آن ها نام برد. در دهه ای که به «دهه پیشرفت و عدالت» مزین شده است، یکی از لوازم بسیار مهم برای پیشرفت، پیشرفت در امر پژوهش است. در این دوره ای که ما در آن زندگی می کنیم، به برکت انقلاب اسلامی و به برکت توجه به دین و معنویت، نه فقط در شرق که در مغرب زمین، رشد معنویت خواهی، فوق العاده بالاست؛ به ویژه گرایش به دین مبین اسلام. شما آمار و ارقام را اگر ببینید، توجه جوانان مغرب زمین به دین و معنویت و به ویژه دین مقدس اسلام، فوق العاده بالاست. دلیل رشد عرفان های کاذب به عنوان یک انحراف و یک تغذیه نامناسب، برای این است که بتوانند این نیاز را که روز به روز هم افزایش می یابد، به نحوی پاسخ دهند. به راستی چرا عرفان های کاذب، عرفان هندی، بودایی، ایتالیایی، فرانسوی و انواع عرفان ها، امروز رشد پیدا می کند؟ چرا در این دوره؟ چرا در ادوار گذشته به این میزان رشد نداشت؟ دلیل آن، پاسخ به نیاز معنویت خواهی و دین خواهی است که در قاطبه مردم، به ویژه در جوانان مغرب زمین به وجود آمده است. البته رگه هایی از این جریان به سوی کشور ما هم آمده و این، مسئولیت حوزه های علمیه و محافل و مراکز علمی ما را بسیار بیشتر می کند.

امروز فهم مبانی دینی و فهم دقیق، بسیار مهم است: «علیکم بالدرایات» (مجلسی، بحارالأنوار، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۳۰۴۱، ج ۲: ۰۶۱). فهم، مسئله مهمی است؛ «لا عمل کالتحقیق» (آمدی، غررالحکم، دارالکتاب الإسلامی، قم، ۰۱۴۱: ۸۶۷). هیچ چیز مثل پژوهشی که یک پژوهشگر انجام می دهد، نیست. در این عرصه، رعایت سه نکته محوری در پژوهش بسیار مهم است: اول اینکه حتماً پژوهش باید متقن و مبتنی بر مبانی باشد؛ یعنی تحقیق بر مبنایی استوار باشد. اگر تحقیق بر مبانی و اصول محکمی، استوار نباشد، مقبول و مؤثر نخواهد افتاد؛ هم چنان که گفته اند: «سر این سخن بر کدامین بالین نهفته است؟» باید سر این سخن بر یک بالین محکم و مستحکمی قرار گیرد؛ از این رو متقن بودن سخن و مبتنی بودن آن بر یک بنای استوار و محکم، از شرایط مهم در پژوهش است. نکته دوم، نوآوری و سخن نو گفتن است. اگر در پژوهش، سخن نو و فتح و گشایشی نباشد، چندان فایده ندارد. البته حتماً سخن دیگران ارزشمند است؛ اما تکرار کردن سخنان پیشین، عیناً همان سخن است. باید با یک نگاه نو و یک نوآوری و به تعبیر مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی)، با یک نظریه پردازی توأم باشد. شرط سوم و نکته سوم در تحقیق، آن است که صرفاً نظریه پردازی به دور از کارآمدی نباشد و بتواند گرهی از گره های علمی یا گره هایی در زندگی دینی مردم را بگشاید. طبیعتاً هر کار پژوهشی، مناسب و مطلوب است؛ ولی عنصر کارآمدی را باید بسیار مورد توجه قرار داد. بنابراین، اتقان، نوآوری و کارآمدی در امر پژوهش و یا به تعبیر دیگر کاربردی کردن پژوهش، امر مهمی است. ما تحقیقات بسیار ارزشمندی داریم؛ اما برخی از آن ها، فاقد جنبه کاربردی است؛ به شکلی که بتواند مشکلی را حل کرده و گرهی را باز کند و گره های بسیاری را که امروزه مطرح می شود، نداشته باشد. من متناسب با شغل و مسئولیت خودم، نکته ای را خدمت اساتید و طلاب پژوهشگر عرض می کنم. من این سخن را قبلاً در حوزه علمیه قم گفتم و بعضاً برخی از رسانه ها، نکته ای را که مورد نظر من بود، درست منعکس نکردند. ببینید، علی رغم این همه کار که در فقه ما شده است که وقتی انسان، جواهرالکلام را می بیند؛ فروعاتی را که مرحوم محقق در شرایع باز کرده و یا سخنان شیخ انصاری را می بیند، با خود می گوید که با این قوت ذهن، آیا واقعاً این ها از احاد بشر بوده اند یا این که عنایت ویژه ای به آن ها شده و انسان های خاص و ممتازی بوده اند و این همه فروعاتی که مطرح کرده اند، انسان را واقعاً متعجب می کند؛ با این حال، وقتی که همین فقه، با همه گستردگی و عمقی که دارد، می آید در عرصه حکومت قرار می گیرد و قرار می شود همه مسائل حکومتی را سامان دهد، می بینیم بسیاری مسائل جدید وجود دارد که از آنها سخنی به میان نیامده است.

اگر زندگی ما زندگی توأم با فقه به معنای فقه اکبر؛ یعنی: عقاید و باورهای الهی، فقه اوسط؛ یعنی: اخلاق فاضله و کریمه و فقه اصغر؛ یعنی: احکام و باید و نبایدهای الهی باشد، باید تمام شئون زندگی ما را سامان دهد. ولایت فقیه؛ یعنی فقهی که دین شناس است و می خواهد جامعه را با دین و آموزه های دینی آشنا کند و تمام روابط اجتماعی را بر اساس دین و آموزه های دینی رقم بزند. ما می خواهیم جامعه ای را مبتنی بر فقه بنا کنیم. خب، این جامعه که می خواهد مبتنی بر فقه باشد، با همه این آثاری که امروز دست من و شماست و به برکت بزرگانی حاصل شده است که دود چراغ خورده اند، شب ها نخوابیده اند، قلم زده اند و نوشته اند تا آن که امروز یک فقه غنی در اختیار جامعه ما باشد؛ با همه این غنا، وقتی فروعات اجرایی مطرح می شود، خلأهایی را احساس می کنیم که برای پر کردن آن ها، علما و محققان حوزوی باید تلاش ویژه ای کنند. حالا من در پرونده های قضایی عرض کنم که بسیاری از فروعات وجود دارد که قضات سؤال می کنند و ما یک مجموعه آموزشی فقط برای جمع آوری بخش سؤالات فقهی که قضات ما در مسائل مستحدثه به آن برمی خورند، ایجاد کردیم. مجموعه این سؤالات باید خدمت مراجع عظام تقلید و خدمت بزرگان و پژوهشگران حوزه تقدیم شود و پاسخ آن ها را بیاوریم. ما قطعاً هیچ سؤال بی پاسخی نخواهیم داشت؛ چون مبانی ما از غنای لازم برخوردار است. ما سؤال بی پاسخ نداریم؛ اما باید کار بشود؛ سخن من در کار شدن است. با این همه فروعات، وقتی فقه وارد حوزه قضا می شود، با انبوهی از سؤالات و مسائل جدید روبه روست. در حوزه های دیگر؛ هم چون اقتصاد، هنر، سیاست و بسیاری حوزه های دیگر، سؤالات زیاد است و این، وظیفه حوزه های علمیه است که این سؤالات را مبتنی بر همان مبانی متقن و بر اساس نظریه ها و دیدگاه ها پاسخ دهند. این توانمندی را ما امروز در حوزه های علمیه می بینیم و نگاه ها به فکر و ذهن و خلاقیت و کار و تلاش شما جوانان در حوزه های علمیه است. بر این اساس من می خواهم خدمت عزیزان عرض کنم که پژوهش های شما خیلی می تواند کارساز باشد، به خصوص اگر پژوهش ها در مراکز و معاونت های پژوهشی، مبتنی بر نیازسنجی باشد و این، خیلی ارزشمند است. من نمی خواهم بگویم اگر نیازی معلوم نشد، ذوق و همت شما کم رنگ شود و اگر در یک جا خواستید مسئله ای را حل کنید، دیگر میلی برای حل آن نداشته باشید؛ ولی اگر بخواهید پژوهش تان، جنبه کاربردی داشته باشد، باید منطبق با نیازشناسی باشد و نیاز، بسیار مهم است. البته برخی از پژوهش های ما مسئله محور نیست، بلکه موضوع محور است؛ یعنی اثر، به یک اثر اطلاع رسانی، شبیه تر است تا یک کار تحقیقی؛ چون

شما وقتی پژوهش می کنید، یک مسئله را محور قرار می دهید و حول آن بحث می کنید؛ از این رو جمع آوری ها، خیلی مهم است. بنابراین اگر مسئله محور شد، کار پژوهشی قلمداد می شود. بعد، تبارشناسی خود همین مسئله هم مهم است که آیا تک تباری است و یا چندتباری؟ مثلاً شما یک وقت، به لحاظ فقهی، در مورد نماز تحقیق می کنید؛ یک وقت در مورد ایمان تحقیق می کنید. ایمان، یک مسئله چندتباری است. تحقیق در مورد نماز با تحقیق در مورد ایمان متفاوت است؛ یعنی موضوعی است که به قول امروزی ها بین رشته ای است و تخصص در یک رشته برای تحقیق پیرامون آن، کافی نیست. شما اگر بخواهید در مورد ایمان تحقیق کنید، ایمان، هم صبغه فلسفی دارد، هم صبغه کلامی و هم صبغه فقهی؛ یعنی در مورد موضوعات بین رشته ای، باید همه این زوایا دیده شود تا در واقع بتواند همه ابعاد موضوع را پوشش دهد. باز نمی خواهم بگویم اگر کسی در یک رشته یا با یک نگاه بحث کرد، بحث او قابل قبول و توجه نیست. حتماً از آن هم باید تقدیر کرد؛ اما اگر بخواهد این جهات در آن دیده شود، طبیعتاً می تواند بسیار مؤثرتر باشد. در مورد کارهای پژوهشی طلاب، این نکته را باید متذکر شوم که به نظر من، بین یافته ها و اطلاعات، تفاوت وجود دارد. گاهی در پژوهش ها، یافته های پژوهشگر و اطلاعات با هم خلط می شود. خلط بین یافته ها و اطلاعات، موجب می شود محتوای پژوهش به گونه ای شود که دیگران نتوانند بهره کافی از آن ببرند. به هر حال، بخشی از پژوهش، اطلاعات است؛ ولی یافته ها را که در واقع همان نظریه ها هستند، باید ممتاز کرد. شهید مطهری، قبل از انقلاب، کلاسی در قم داشتند تحت عنوان «شناخت». ویژگی این کلاس، آن بود که استاد و شاگرد، هر دو کنار هم شرکت می کردند. کلاس شناخت شهید مطهری در حسینه ارگ قم برگزار می شد. ما با بعضی از اساتید خودمان در کلاس ایشان شرکت می کردیم. انصافاً کلاس مفیدی بود. البته ایشان برای این کلاس، هفته ای یک بار بیشتر، به قم نمی آمدند؛ ولی کلاس بسیار پرباری بود. از نکاتی که شهید مطهری گاهی در آن جلسات می فرمودند و از بزرگان دیگر هم بسیار شنیده شده است، این است که بین تفسیر مسبوق به نظریه و تفسیر مسبوق به مسئله، تفاوت است. تفسیر مسبوق به نظریه، همان پیش نظر داشتن و مراجعه به متن و نظر است؛ یعنی انسان برود ببیند که چه فرموده اند. به قول مرحوم علامه طباطبایی، تحقیق معطوف به مسئله داشته باشید؛ اما نظر را بگذارید بعد پیدا کنید؛ فعلاً نظر ندهید؛ بگذارید با مراجعه به متون، روایات، آیات نورانی قرآن و دیدگاه بزرگان نظر بدهید تا آن نظریه بتواند دقیق و کامل باشد. اشکال اساسی ای که در این زمینه وجود دارد، آن است که خیلی از روشنفکران، متأسفانه می خواهند با بعضی رویکردها، آن چه را که تمایل دارند، از قرآن بفهمند. نباید این چنین باشد؛ باید دید که متن قرآن یا حدیث چیست؟ حالا من نمی خواهم اصطلاح «تفسیر به رأی» را به کار ببرم؛ ولی نهایتاً به این مرحله کشیده می شود. اجمال آن، این است که تفسیر مسبوق به مسئله، پسندیده است؛ اما اگر تفسیر مسبوق به نظریه شد، امکان دارد دچار مشکلاتی شود که بعضی از روشنفکران یا مدعیان روشنفکری، دچار آن شده اند که می خواهند نظر خودشان را بر متن دین، تحمیل کنند.

مطلب دیگر این که در هر پژوهشی باید به تاریخ و تطورات آن موضوع توجه شود و این، بسیار مهم است. خدا آیت الله بروجردی را رحمت کند. گاهی انسان، تقریرات آقای بروجردی را که ملاحظه می کند، می بیند ایشان باکی نداشتند از این که گاهی در یک موضوع بسیار وسیع، وارد نظرات اهل سنت بشوند و آن را حلاجی کنند. حتی قبل از این که نظریات فقهی شیعه را مطرح کنند، دو یا سه نظر اهل سنت را بیان می کردند و کاملاً به آن می پرداختند. نگاه کردن به تاریخ علم و تاریخ آن مسئله و پرداختن به آن و باک نداشتن از این که حتی وارد میدان هایی بشویم که آن میدان ها، میدان ما نیست، بسیار اهمیت دارد. باید به عنوان یک پژوهشگر، تمام زوایا را دید تا نظریه و کار پژوهشی، کامل و دقیق باشد. من در این جا، مسئله اجماع را مطرح می کنم. این بحث اجماع، مسئله بسیار مهمی است؛ هم در اصول و هم در فقه؛ هم بین شیعیان و هم در میان اهل تسنن. واقعاً اجماع، مسئله مهمی است. شما ببینید ما از سویی، از اجماع به عنوان یکی از ادله اربعه بحث می کنیم و از سوی دیگر، سخن در این است که اگر کشف قول معصوم (ع) نشود، حجیت ندارد؛ ولو این که همه علمای عصر قبول کنند؛ یعنی از آن، حکم الله در نمی آید؛ والا نظر همه، محترم است. ما می خواهیم حکم الله را در بیاوریم. حکم الله را باید از قول معصوم (ع) کشف کنیم؛ حالا از هر طریقی؛ مثل قاعده لطف، حس یا دیگر طرق. حال چه قدر از آن، به قول مرحوم صاحب کفایه،

قابل اثبات است یا نیست، ما وارد آن نمی شویم؛ ولی ابعاد مختلفی را که بحث اجماع دارد ملاحظه کنید که عمق تأثیر آن در مسائل حکومتی و به قول بعضی، در احکام السلطانیه و بسیاری مسائل دیگر، چه قدر میتواند گسترده باشد؛ خب، این واقعاً قابل پرداختن است. بنابراین من می خواهم عرض کنم که شناخت سخنان سلف و خلف برای پژوهش هایی که با رویکرد کاربردی انجام می شوند، لازم است. من در این جا نکته دیگری را هم متذکر شوم. یک وقتی من در نمایشگاه کتاب، به اثر ارزشمندی برخورد کردم که قابل تقدیر بود. این اثر با نام «معجم بحارالانوار»، توسط دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم عرضه شده بود. قصد داشتم با آن مرکز تماس بگیرم و تشکر کنم؛ گفتم این کار، کار فاضلی است. دو یا سه روز بعد از آن، مطلع شدم که آقای برازش با سلیقه خوب و نو، تمام بحارالانوار را در قالب یک نرم افزار، صورت بندی کرده است. خب، من به عنوان طلبه ای که کار را تعقیب می کردم، گفتم این همه دوستان طلبه و فاضل ما که در قم نشسته اند و کارهای ارزشمندی تولید می کنند، اگر از کار هم مطلع نباشند و کارهایشان، هم پوشانی داشته باشد، نیروها و امکانات آنها، هدر می رود که من یک نمونه آن را مثال زدم. واقعاً همه امکانات و نیروهای ارزشمندی که در حوزه داریم، باید توسط مراکز حوزوی، سازماندهی شود؛ با هم ارتباط برقرار کنند؛ از امکانات هم استفاده کنند و البته با هم، مشارکت پژوهشی داشته باشند تا از هدررفت امکانات و انجام پژوهش های موازی جلوگیری شود. من عرض می کنم حتماً این هماهنگی بین مراکز پژوهشی و علمی ضرورت دارد که ما از نیروها و امکانات مان واقعاً بتوانیم در راستای افزایش بهره وری، به درستی استفاده کنیم. بهره وری مناسب، حکم می کند که ما بگذاریم طلاب پژوهشگر ما، وقت و نیروی خودشان را واقعاً در مسائلی که به قول شهید صدر، «منطقه الفراغ» است و کسی به آن ها نپرداخته، صرف کنند. گاهی چند نفر، سراغ یک مسئله می روند و خوب هم تحقیق می کنند. اشکال ندارد؛ ولی گاهی منطقه الفراغ هایی است که به دلایلی، کمتر به آنها پرداخته می شود.

نکته دیگری که می خواهم خدمت پژوهشگران گرامی عرض کنم، این است که ترس از ابراز عقیده نداشته باشید؛ سخن خودتان را بگویید. این، یک آفت است که اگر پژوهشگر ما به نکته ای رسید، آن را ابراز نکند و بر قلم، جاری نکند. من معتقدم اگر آن سه نکته ای را که در ابتدای سخنان ام عرض کردم، رعایت کنید؛ یعنی اتقان، نوآوری و کارآمدی، دیگر نباید باکی داشته باشید از این که آن نظر و سخن، دقیق و روشن و شفاف بیان شود. بلافاصله این نکته را هم مطرح کنم که روحیه نقادی و نقدپذیری، هر دو را داشته باشید و سخن خود را در معرض و دیده شدن بگذارید. نمی گویم تحدی کنید. حداقل، این سخن را در معرض و منظر محققان بگذارید تا نقد شود. روحیه نقدپذیری هم داشته باشید. این دو در کنار هم هستند؛ یعنی هم سخن را باید شفاف و صریح بیان کرد و هم باید روحیه نقادی و نقدپذیری داشت. اصلاً هر نقدی که بر اثرتان وارد شد، نباید به شما بر بخورد. سعی کنید در صورت لزوم، در نسخه بعدی، آن را اصلاح کنید. خدا شیخ انصاری را رحمت کند. شما در سخنان او می بینید؛ اولاً چه قدر مؤدبانه به سخن مخالف خود می پردازند و بعد هم مؤدبانه، آن را مورد نقد قرار می دهند و بعد هم نظرشان را با کمال متانت و شفافیت، ارائه می دهند. سخن آخر، آن که در پژوهش های خود، عوام زدگی نداشته باشید. بالأخره، سخن باید سخنی علمی باشد. یک روزی در زمان ریاست جمهوری مقام رهبری (دام ظلّه العالی)، ما خدمت ایشان رسیدیم. این را به همان زبان ساده، نه به عنوان سخنرانی فرمودند: اگر کسی با کامپیوتر، آشنایی نداشته باشد، مثل کسی است که خواندن و نوشتن بلد نیست. الآن بعد از بیست سال، این سخن کاملاً برای ما روشن شده است. امروز هر چه طلبه ما با زبان های مختلف، آشنایی داشته باشد و به زبان های مختلف مسلط باشد، می تواند پژوهش های دقیق تری انجام دهد و نتایج آن را نیز توسعه ببخشد.

در هر صورت، امروز پژوهش های حوزه علمیه، بسیار می تواند برای همه ما راه گشا باشد. امروز مسائل مختلفی وجود دارد که باید برای پاسخ به آنها، کارهای پژوهشی دقیق و مفصلی انجام گیرد. امروز بحث از تجارت الکترونیک مطرح است. مگر شما از خیار مجلس بحث نمی کنید؛ امروز معامله ها به گونه ای است که دو طرف معامله، دیگر زیر یک سقف نمی نشینند؛ یک طرف در این جاست و طرف دیگر در آن سوی دنیا. حال، خیار مجلسی که آقایان می فرمایند، چه گونه قابل اعمال است؟ این که یک طرف معامله در این جاست و طرف دیگر در فلان کشور؛ مجلس چه گونه در فضای مجازی تعریف می شود؟ این نمونه ای از انبوه مسائل جدید است. در واقع، حوزه های علمیه ما باید این مباحث را لیست کنند و آن ها را به افراد و مراکز مختلفی که تخصص و روحیه پژوهشی دارند، بسپارند تا إن شاء الله در این عرصه بتوانند پاسخگو باشند و کارهای ارزشمند و ماندگاری انجام شود. کارهای

حوزویان حتماً می‌تواند برای مجموعه نظام که امروز بر اساس فقه اداره می‌شود؛ چه در حوزه عقاید و باورها، چه در حوزه اخلاق فاضله و کریمه و چه در حوزه بایدها و نبایدهایی که گستره آن، گستره همه شئون و روابط اجتماعی به معنای وسیع کلمه است، قابل استفاده باشد. إن شاء الله امیداوریم که حوزه علمیه تهران با برگزاری چنین جشنواره‌ها و نشست‌هایی که باعث تشویق پژوهشگران است، بر عمق و گستره پژوهش‌ها و تحقیقات بیفزاید و بتواند زمینه ساز انجام تحقیقات متقن و توأم با نوآوری و کارآمدی باشد.